

نخواهد بود. خسارت که نمی‌دهند اگر هم داده شود رقمش پایین است. می‌گویند جهادکشاورزی اعلام کرده این میزان خسارت بدهیم؛ هر متر زمین بی‌کشت ۵۰ تومان محاسبه می‌شود و زمینی که کشت داشته باشد خسارتش می‌شود متری ۱۵۰ تومان.»

«شرکت نفت هرکجا باشد، زمین‌های کشاورزی می‌برند. یا چاه احداث می‌شود یا لوله‌ها از کنار خانه‌ها و زمین‌های کشاورزی می‌گذرند. روستا جز کشاورزی چیزی ندارد. مرگ کشاورزی، مرگ روستاست.» اینها را شهید نواصری، رئیس شورای «صفیره» که از شرکت نفت و پسماند به تنگ آمده، می‌گوید. «لوله‌های پیر که سال‌ها محل عبور نفت است گاهی به جیرجیر می‌افتند تا نفت از لوله‌های لوله‌ها روی زمین‌ها چکه کنند و بلای جان محصولات شوند. لوله‌ای که نشت می‌کند چند روزی طول می‌کشد تا شرکت نفت خودش را به آن برساند؛ نفت نشت می‌کند و زمین را می‌گیرد. زودتر بیابند زمین‌های ما نمی‌میرند. می‌گویند وسیله نداریم و...»

لوله‌های نفت همه‌جا را گرفته‌اند، کشاورزی و غیرکشاورزی. از جلوی روستا شروع شده‌اند و تا پشت روستا رسیده‌اند. لوله‌ها که آمدند، خانه‌ها نتوانستند سد بگیرند و ساخت‌وساز ممنوع شد. شهید نواصری می‌گوید: «خانه‌هایمان را ۵۰ سال پیش ساخته‌ایم و به دلیل لوله‌ها اجازه ساخت‌وساز نداریم. ۱۶ خانه نزدیک به لوله‌ها سندنندارند؛ شرکت نفت اعتراض کرده به این خانه‌ها سندندهند. لوله‌های نفت بعد از ما آمده‌اند، درست نیست به خاطر لوله‌ها، خانه‌ها بی‌سند بمانند.»

۱۲۵ هکتار محل جولان زباله‌هایی است که سوار بر ماشین‌های حمل زباله از اهواز می‌آیند. زباله‌هایی که زندگی را بر «صفیره» و ۹ روستای دیگر حرام کرده‌اند. «۱۲۵ هکتار زمین مردم را گرفتند، بی‌پول. گفتند منابع طبیعی داده است. سندن هم می‌خواهیم بهانه می‌آورند. راست و دروغش را خودشان می‌دانند و خدای‌شان. زباله‌ها را همان‌جا دپو می‌کنند و شب‌ها آتش می‌زنند. باد دود زباله‌ها را تا ۹ روستای دیگر هم می‌برد حتی تا اهواز می‌رود اما از همه بیشتر اهالی «صفیره» اذیت می‌شوند. منطقه نفت‌خیز است و مشکلاتش بسیار.»

پسماندها در همسایگی روستا پهن زمین شدند تا هوای سالم- تنها دلخوشی اهالی- برای همیشه از «صفیره» خداحافظی کند. بارها شکایت از زباله‌جلساتی را در شورا تشکیل داد اما بی‌نتیجه بود. «با قناتی مدیر پسماند جلسه داشتیم اما می‌گوید افراد ناشناس زباله‌ها را آتش می‌زنند؛ پسماند دوسال است حقوق بچه‌های روستا را نداد؛ ۶ نفری که با موتور و ماشین گشت می‌زنند. سال ۹۶-۹۵ قراردادی امضا و مصوبه‌ای تصویب شد. اما بعد از دوسال حقوق بچه‌ها را نمی‌دهند. می‌گویند قراردادی نیست. مصوبه را دارند، مستندات هم شهادت می‌دهند این بچه‌ها کار کرده‌اند اما زیربار نمی‌روند.»

### اینجا محدوده نفتی است، زباله‌های آتش زده نمی‌شود

محل دفن زباله اهواز «صفیره» است. از سال ۶۹ تا ۸۰ زباله‌های اهواز در «رُومی» دفن می‌شدند در دوکیلومتری «صفیره». تا اینکه محیط‌زیست، شهرداری، بهداشت و دادستانی آمدند و ۱۲۵ هکتاری را دیوارکشی کردند برای دفن زباله اهواز. محمدرضا قناتی، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری اهواز «صفیره» را سایت دیپو زباله نمی‌داند و می‌گوید آنجا محل دفن زباله است. «اینکه می‌گویند شب‌ها زباله‌ها آتش زده می‌شود، ادعای کاملاً اشتباهی است. اهواز محیط‌زیست و بهداشت دارد. مگر می‌شود هر شب زباله‌ها را آتش زد؟ آتش را گاهی اوقات در تابستان‌ها داریم. زباله‌گردها آتشی درست می‌کنند و باعث آتش گرفتن می‌شوند، همین.» قناتی ادعای مالکیت اهالی بر ۱۲۵ هکتار محل دفن زباله را هم رد می‌کند. «۱۲۵ هکتار برای مردم نیست. این اطلاعات اشتباه است. سندن داریم. مگر می‌شود شهرداری زمین مردم را غصب کند؟ شهرداری فرآیند قانونی را پشت‌سر گذاشته. سندن گرفته و دیوارکشی کرده است. یکی دیگر از ادعاها ۶ نگیهان محل دفن زباله است. باید بگویم دوکارخانه پردازش داریم که زنان سرپرست خانواده را پوشش می‌دهد. زبانی که تعدادی از آنها از «صفیره» در آن کار می‌کنند. این کارخانه‌ها ۸۰ زن و ۳۰ مرد را جذب کرده است. محل دفن هیچ نگیهانی ندارد. این افراد تا سال ۹۴ پولی از شهرداری تحت عنوان نگیهانی از جاده می‌گرفتند که چندسالی است متوقف شده است. هیچ قراردادی مبنی بر جذب نگیهان وجود ندارد.» مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند اهواز زباله‌های تجزیه‌ناپذیر را مشکل «صفیره» نمی‌داند و بر این باور است پسماند معضلی است در کل ایران که راهکارهای برون‌رفت از آن نیاز به بودجه زیادی دارد. «چندماه است در تهران دنبال بو می‌گردند؟ کسی راهکار ارایه کرد؟ در حوزه پسماند کارهای بسیاری می‌توان انجام داد اما نیاز به بودجه دارد. متأسفانه مدیران شهری بر این باورند ساخت جاده و چند پل بیشتر به چشم می‌آید تا کار در حوزه پسماند. شیرابه در تهران دردسرساز شده اما ما اینجا شیرابه نداریم چون لایه‌لایه زباله‌ها را دفن می‌کنیم.»

قناتی زباله‌ها را برای زمین‌های کشاورزی و اهالی دردسرساز نمی‌داند. «زمین ما محصور است و این اطراف زمین کشاورزی‌ای وجود ندارد، البته از وقتی که متوجه شده‌اند قرار است سایت دفن زباله گسترش پیدا کند شروع کرده‌اند به کاشت؛ اینجا محوطه چاه‌های نفت است و به دلیل امنیت چاه‌های نفت، شرکت نفت اجازه کشاورزی نمی‌دهد؛ اینجا محدوده نفتی است.»



خوز نیوز

## اهالی روستای صفیره بخش غیزانیه اهواز از زندگی همراه پساب نفتی و پسماند می‌گویند

# محصور میان نفت و زباله

**لیلا مهداد** همسایگی‌شان چهل ساله شد. از همان وقت که پیت‌ها از نفت چاه پر می‌شدند و آتش می‌گرفتند برای آزمایش تا امروز که لوله‌ها از جلوی «صفیره» روی زمین خزیده و رفته‌اند تا پشت روستا. لوله‌های پیر به جیرجیر افتاده و شده‌اند بلای جان زمین‌های کشاورزی تا بذرها، جان جوانه‌زده نداشته باشند. هشتاد خانوار «صفیره» در بخش غیزانیه اهواز چشم‌شان به زمین‌هاست، برای کاشت و برداشت روزی، اما آب نمک‌زدایی، چاه‌ها و لوله‌های نفت جان زمین‌ها را گرفته‌اند. اهالی گاز و نفت و سوختن فیلترها را مشکل امروز و دیروز «صفیره» نمی‌دانند. آنها چند وقتی است با بو و دود پسماندی که از اهواز خودش را به نزدیکی روستا رسانده، در ستیزند. آتش زدن پسماندها به وقت شب‌هاست؛ آتشی که دودش اهالی «صفیره» را خانه‌نشین کرده و تا نزدیکی اهواز خودش را رسانده. مسئولان محلی می‌گویند با شکسته‌شدن یکی از خطوط انتقال آب، مخلوطی از آب و پساب آلوده نفتی، تا یک قدمی گندم‌زارها و نخلستان‌های روستا رسیده است؛ نمونه‌اش شهید نواصری، رئیس شورای روستای صفیره که نیمه بهمن به «ایرنا» گفت با شکسته‌شدن یکی از لوله‌های آب واحد ۴ شرکت نفت و گاز کارون از روز پنجشنبه، مخلوطی از آب و پساب آلوده نفتی به سمت روستا جاری شده است؛ «پیش از این و در شهریور گذشته لوله پساب کارخانه نمک‌زدایی این واحد نشت کرده بود، اگرچه این لوله تعمیر شد، اما گودال‌های بزرگی از پساب آلوده نفتی باقی مانده که به شکل حوضچه‌ای در یک کیلومتری روستا و زمین‌های کشاورزی درآمده است؛ اکنون با جاری‌شدن آب از شکستگی لوله انتقال آب، این مواد آلوده به سمت زمین‌های روستا حرکت کرده و کشاورزان نگران سرایت آن به گندم‌زارها و نخیلات منطقه‌اند.» رسول ساکی، بخشدار غیزانیه هم گفته است دود غلیظ و بوی نامطبوع، بیش از ۸ هزار نفر از جمعیت روستاهای این بخش را با مشکل روبه‌رو کرده است. روستای صفیره در ۳۰ کیلومتری شرق اهواز حالا از یک طرف با آلودگی‌های ناشی از مدفن پسماندهای اهواز روبه‌روست و از سوی دیگر با آلودگی‌های نفتی.

### محبوس در خانه

نفس «حمیده» مثل بسیاری از زنان از سه‌سال پیش تنگ آمده است. «دکترها می‌گویند از آلودگی است، بیرون نرو. بیشتر زنان روستا حتی جوان‌ترها، آنهایی که به سی‌سالگی نرسیده‌اند، تنگی نفس دارند. دکتر به بعضی‌ها مثل من گفته آسم دارند.» ماشین‌های حمل زباله به «صفیره» رسیدند و اهالی خانه‌نشین شدند. پنجره‌های روستا قهر کردند و برای همیشه بسته ماندند و در خانه‌ها به ضرورت باز و بسته شدند. بچه‌ها از سوزش سینه و چشم و خارش پوست شکایت به مادرها بردند و پزشک‌ها از آلودگی و ناراحتی‌های پوستی و تنفسی گفتند.

«حمیده» در مرز چهل‌سالگی، مادر سه‌فرزند است و از ترس بند آمدن نفس با بچه‌ها خانه‌نشین شده. «در خانه‌ها محبوس شده‌ایم، آسم و ناراحتی‌های پوستی اینجا بیداد می‌کند. بیشتر زنان حساسیت با بیماری خاصی نداشتند، اما حالا آسم دارند. منشأ آن هم نفت و زباله‌ای است که روستا را پر کرده. چشم بچه‌ها بیشتر اوقات سرخ است و بدن‌شان می‌خارد. سعی می‌کنیم در اتاق‌مان بمانیم. بزرگ‌ترها خودشان را با تلویزیون سرگرم می‌کنند، اما بچه‌ها دل‌شان بازی می‌خواهد و حتی نمی‌توانند در حیاط خانه‌ها بازی کنند.» خارش و سوزش پوست، بلای جان ۵۰ دانش‌آموز صفیره است. «مدرسه داریم، اما بچه‌ها اغلب بدن‌شان زخم است. آسم هم بین بچه‌ها شایع است. پزشک‌ها می‌گویند از آلودگی هواست. گناه بچه‌ها چیست؟» در «صفیره» فصل‌ها فرقی ندارند، چه بهار باشد، چه پاییز یا زمستان، بوی بد در روستا جولان می‌دهد. لوله‌های نفت، زمین‌های روستا را تصرف کرده‌اند. قلمرو لوله‌های گاز زیرزمین است تا آب تصفیه‌شده در بشکه‌ها خرید و فروش شود. «مردم کشاورز بود. لوله‌های نفت به جان زمینش افتادند و دانه در آن جوانه نزد. حالا نگیهان شرکت نفت شده تا خرج درس بچه‌ها و خانه را بدهد. پسرم دیپلم گرفت و بیکار مانده. شرکت برای او کار ندارد. اینجا خیلی‌ها بیکارند، در شرکت نفت برایشان کار نیست.»

زباله که عرصه را بر اهالی تنگ کرد، رزمه کوچ بین روستاییان بالا گرفت، اما در شهر خانه‌ها گران بودند و مردها بیکار می‌مانند، پس تصمیم به ماندن شد. «روستا غیرقابل سکونت است، اما خانه‌های شهر گران است و کار برای مردها نیست. امکانات که نداریم، هوا هم آلوده است. آخر سر از این آلودگی همگی می‌میریم.»

### بازار کساد کشاورزی و دود سیاه شبانه

«خیلی گفتیم، اما کسی توجه نکرد. فرماندار خبر دارد. شهرداری و بخشداری

هرکجا را نگاه کنید، لوله‌ها هستند. حتی لوله‌های گاز ۵۰۰متر یا خانه‌ها فاصله دارند و این خطرناک است. سال گذشته برج یازده یک لوله منفجر شد و پنج، شش نفر کشته شدند. از روستا نبودند، از این ماشین‌های عبوری که می‌روند سمت اهواز در جاده اصلی بودند. گفتند لوله پوسیده بوده. کشاورزی کساد شده. نفت سودی برای ما نداشته، فقط دردسرهايش برای ما است و سودش برای بالادستی‌ها

می‌دانند، اما مشکلات هنوز هستند.» «فرهاد» کشاورز «صفیره» است، از شرایط روستا به تنگ آمده و بلای جان کشاورزی «صفیره» را نفت و زباله‌ای می‌داند که همه‌جا به چشم می‌خورد. «نصف اهالی تنگی نفس دارند. می‌گویند از آلودگی است. بوی بد زباله به کنار، پلاستیک همه‌جا روستا را گرفته. پلاستیک بازیافت نمی‌شود و ماندگاری‌اش زیاد است. سگ‌های ولگرد و حشرات هم پی زباله‌ها به «صفیره» آمده‌اند. اینجا بیماری زیاد است.» لوله‌ها همه‌جا هستند، روی زمین‌های کشاورزی و نزدیک به خانه‌ها. بیشتر زمین‌های کشاورزی اسیر لوله‌هایند. راه‌های عبوری هم در محاصره لوله‌های نفت‌اند. «هرکجا را نگاه کنید، لوله‌ها هستند. حتی لوله‌های گاز ۵۰۰متر یا خانه‌ها فاصله دارند و این خطرناک است. سال گذشته برج یازده یک لوله منفجر شد و پنج، شش نفر کشته شدند. خوشبختانه از روستا نبودند، از این ماشین‌های عبوری که می‌روند سمت اهواز در جاده اصلی بودند. گفتند لوله پوسیده بوده. کشاورزی کساد شده. نفت سودی برای ما نداشته، فقط دردسرهايش برای ما است و سودش برای بالادستی‌ها.»

کشاورزی که کساد شد، اهالی دل‌خوش کردند به کار در شرکت نفت اما کارگرا از بهبهان، رامهرمز و حتی تهران آمدند و سهم کمی نصیب بومی‌ها شد. «آمارهای خودشان اشتباه است. می‌گویند بیشتر کارکنان بومی‌اند، اما این‌طور نیست، کارگرا و کارکنان بیشتر از شهرهای دیگر می‌آیند. بیایید ببینید در چه شرایطی زندگی می‌کنیم. اذیت‌های نفت و کسادی کشاورزی به کنار، بوی بد زباله‌ها زندگی را بر ما حرام کرده است. شب‌ها که زباله‌ها را آتش می‌زنند خانه‌ها پر می‌شود از بوی زباله، دودش تا اهواز می‌رود. عکس گرفتیم و نامه نوشتیم به فرمانداری و استانداری. پسماند و محیط‌زیست آمدند و رفتند اما هیچ کاری نشد.»

### خسارت‌های ناچیز و کارگران بی‌مزد

وقتی تصمیم گرفتند جاده عریض شود، پیشروی در زمین‌های کشاورزی کناری شروع شد. «محمد» شکایت برد که «وای زمینم کشاورزی بود.» کارشناس آمد و از خسارت ۳۹۰ هزار تومانی نوشت. ماه‌ها شکایت و رفت‌وآمد و نامه آوردن و بردن از حفاری و شورا و... یک جواب کوتاه شد؛ خسارت تعلق نمی‌گیرد. «گفتند در آن فصل کشت نداشتی پس خسارت تعلق نمی‌گیرد. کشت‌مان دیم است و زمینم خسارت دیده.» زمین پنج‌هکتاری «علی» کمی دورتر از جاده گرفتار آب شد و شوره زد تا هیچ دانه‌ای در آن جوانه نزنند. «تقریباً ۲ میلیون تومان خسارت دادند برای زمینی که دیگر هیچ‌وقت قابل کشت